

انسان در مقیاس جهانی

خصوصی سازی، جهانی شدن و عدالت اقتصادی

مخالفان جهانی شدن بداندیشان ملت هستند

نیازمندیم. دولت ها و ملت ها، شرکتها و بنگاهها باید خود را ملزم به این اخلاق کنند. در سطح ملی نیز نیازمند آگاهی نسبت به جهانی شدن هستیم همانطور که مهارت های لازم، قوانین، مقررات و فناوریها نیاز است، اخلاق جهانی شدن نیز ضروری است که مکتب ما چشمه همیشه جوشان اخلاق است.

جهانی شدن، توسعه بازار است

اسفندیار رحیم مشایی رئیس مرکز ملی مطالعات جهانی شدن با بیان این که نکات ارزنده ای در گفته های دکتر نهاندیان بود که بسیار حائز اهمیت است اظهار داشت: اگر چه ایشان بحث کاملاً منسجمی را بیان کردند اما زوایای مختلفی را مورد مشاهده قرار دادند که اکنون در این محفل به عنوان اخلاق جهانی شدن شکل یافت. به نظر من جهانی شدن دو فرآیند است که در طول چند دهه گذشته در دنیا اتفاق افتاده است. یک فرآیند، فرایندی است که به طور طبیعی و اجتناب ناپذیر به دلیل رشد جامعه جهانی بشری، رشد فناوریها، امکان ارتباطات، سرعت در برقراری ارتباط، امکان شناخت بیشتر از ظرفیت های جهانی صورت گرفته و هیچ انتخابی برای آن صورت نگرفته و جریان قطعی اجتناب ناپذیر است و هیچ کس نیز در این مسیر دخالت نمی کند.

اما جریان دیگری نیز برای جهانی شدن به صورت شفاف و روشن قابل رویت است. جریان دومی که تلاش داشته است جریان اول را به نفع خود مصادره کند یک رویداد بسیار بزرگ و شگرف که به هیچ وجه با تاریخ گذشته بشر قابل مقایسه نیست. این بحث دومی است که در جهانی شدن وجود دارد. مشکلی نیز که امروز در دنیا و در باب

گرفته است، داشتن تعامل موثر و سازنده با اقتصاد جهانی است و این مسئله محدود به اقتصاد نیست. در حوزه سیاست و فرهنگ نیز سخن همین است البته با دنیا زیستن با دنیا حرکت نمودن و بر دنیا اثر گذاشتن اخلاق و آدابی دارد. نمی شود با دنیا زیست و بر دنیا دشنام گفت. قرآن کتاب توحید است، کتاب مقابله با شرک است. اما به پیروان می آموزد که میادا به خدایان آنها دشنام بدهید، زیرا ممکن است آنها به خدای یکتا دشنام دهند. اگر از موضع عزت و استعلا با جهان همزیستی

که فرهنگ های دیگر را جذب کرد، هضم کرد، رنگ خود را بر آن زد و در مسیر خود بکار برد. حتی کارنامه درخشان ملت ایران، این برندی را در رابطه با فرهنگ هایی که از نظر نظامی و سیاسی بر ایران غلبه کرده اند نشان داده است. دکتر نهاندیان در ادامه افزود: فرهنگ اسلام، فرهنگ گشاده ای است که توانسته ریز فرهنگ های ملت های مختلف را در داخل خود هضم کند و پیش ببرد. اما اگر روحیه و موضع، روحیه و موضع ضعف بود یکی از این دوتیجه را دارد:

مخالفان جهانی شدن بداندیشان ملت هستند
دکتر نهاندیان به عنوان اولین سخنران همایش پیرامون جهانی شدن در ایران گفت: گاهی مشاهده می شود کسانی در عصر ما هنوز تفکر دوره قاجار دارند. در آن زمان وظیفه ملی ایجاب می کرد ما در مقابل امتیاز تنباکو ایستادگی کنیم به دلیل این که رابطه، رابطه قالب و مغلوب بود و ارتباط اقتصادی خارجی، ارتباطی نا عادلانه بود پس باید با آن امتیاز مقابله می شد. امروز نیز با همان منطق و غیرت و عزم باید از حق ارتباط اقتصادی با خارج دفاع و حمایت کرد. تمام دشمنانی که آن روز با قصد غارت امتیاز تنباکو را می خواستند تحریم کنند امروز حق ارتباط ما با خارج را می خواهند از بین ببرند.

ابزار امروز بداندیشان ملت ایران تحریم اقتصادی است. این باید ما را بیدار کرده باشد. پس ارتباط اقتصادی هر چه بیشتر ما با دنیای خارج رمز پیروزی و پیشرفت ماست. فرصت سوزی هایی در گذشته صورت گرفته است و زمانی که ما عضو گاف بودیم می توانستیم به راحتی عضو سازمان تجارت جهانی شویم. الان بیش از همه برای ما روشن است آنهایی که مانع تراشی در مقابل این الحاق کردند، بداندیشان ملت بودند. تلاش همه جانبه ما باید در این مسیر باشد که در عرصه های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی با حضورمان فرآیند جهانی شدن را به عادلانه شدن هدایت نماییم. خوشبختانه کارهای مثبتی در سالهای گذشته صورت گرفته است. نکته مهم در برخورد با چالش مهم جهانی شدن برای ملت ما و ملت های مسلمان و جنوب، روحیه و رویکرد است که آیا ما با روحیه عزت و استعلا با این فرآیند برخورد می کنیم و یا با روحیه ضعف و عجز. با روحیه عزت و استعلا تاریخ ایران و اسلام نشان داده می شود

تسلیم، که ما آن را در دولتمردان دوره قاجار در رابطه با ارتباط با خارجی ها دیدیم و این که تسلیم فرهنگ آنها شدند. انزوا و خود را از جهان دور نگه داشتن که خاصیت آن جز استمرار ضعف نخواهد بود. نکته این است که موضع ما، موضع عزت باشد نه نفس داشتن تعامل. نکته ای که در سیاست های کلی چشم انداز مورد تاکید قرار

جهانی شدن اشاره شد به دلیل عدم تبیین این دو جریان است. جهانی شدن امروز در دنیا بیشتر در ابعاد اقتصادی و کمتر هم در باب فرهنگ مورد توجه قرار می گیرد. این بیشتر نگاه محصول گرایانه دارد. نتایجی که در جهانی شدن وجود دارد مبنای اندیشه ورزی در موضوع جهانی شدن قرار گرفته است. این مسئله اگرچه می تواند در فرآیند جهانی شدن در موضوع تسریع عملیاتی نمودن آن نقش داشته باشد اما خطر بزرگی را با خود دارد و آن خطر بزرگ جهانی شدن بدون اینکه ظرفیت های بزرگ جهانی شدن را به نحو نیکو و مطلوبی بشناسیم و ارزیابی کنیم است. نتیجه آن است که تلقی واحدی از موضوع جهانی شدن شکل نمی گیرد. راه برای جهانی شدن به چستی آن بسته می شود. این که در جایی دامنه موج بالا می رود و در جای دیگر پائین می آید. این مسئله که چه کسی و با چه هدفی وارد این موضوع می شود مهم است. جهانی شدن زمانی منصفانه، عاقلانه و عادلانه مورد تبیین است که ما یک عزم جهانی را در پایان داشته باشیم.

این که یک شناخت بنیادین از موضوع جهانی شدن به دست می آید ما قبل از هر چیز به این محتاج هستیم. متأسفانه امروز که این همایش در جمهوری اسلامی ایران برگزار می شود و ما مدعی هستیم که ایران به عنوان یک کشور موثر در جهان اسلام اثر گذار است. دکترین روشن و مبان مدون روشن برای چگونگی مواجهه با موضوع جهانی شدن در ادبیات اسلامی ما جایگاه چندان ارزشمندی پیدا نکرده است. ما در شاعر حرف های مختلفی زده ایم اما از باب اندیشه هنوز حرف های زیادی به دنیا عرضه نشده است. در این مسئله تردیدی نیست که دنیای غرب زودتر از شرق جهانی شدن را به عنوان یک جریان جلو رونده و بالنده و قطعی و اجتناب ناپذیر پذیرفته است. البته می دانیم که دانشمندی از شرق این رویه را پیش بینی کرده اند اما باید بپذیریم که دنیای غرب زودتر این موضوع را دریافته است. موضوع از آن جهت دریافت شده که حکم جذمی جهانی شدن جاری و ساری بوده است. نه به عنوان اندیشه بلندی که از دیر باز تاریخ، مصلحان و

اتفاق نیافتاده است. انتظار ما از جهانی شدن باید در مقوله آن وجود داشته باشد در این صورت خواهیم دید که انتظارات در حوزه های مختلف جغرافیایی مختلف مشابه می شود. باید تلقی جدیدی از جهان وجود داشته باشد و تلقی جدیدی از انسان جهانی. امروز به عنوان رئیس جدید مرکز به طور صریح در مورد برنامه خود می گویم جهانی شدن یک فرآیندی است که همه ملتها باید در آن مشارکت کنند و بدون مشارکت ملتها نیز محقق نمی شود و در این مشارکت، ملت بزرگ ایران به دلیل ظرفیت های فرهنگی و اندیشه ای در تاریخ و توانمندی در مدیریت پروژه های بزرگ انسانی الزاماً باید نقش بیشتری را ایفا کند. نه از آن جهت که سهم بیشتری را بخواهد بلکه از آن جهت که تکلیف بزرگتری دارد. این حق از جهت نقش آفرینی ایران حقی بزرگتر است نه از جهت مصادره محصول و نتایج جهانی شدن پدیده ای است که همه انسانها را در دنیا بر اساس عدالت مورد توجه قرار می دهد. عدالت هم به معنای تساوی نیست چون بنا است که تمام ظرفیت ها در دنیا شکوفا شود. خصوصی



مشایی در ادامه افزود: هدایت باید هدایتی باشد که این فرآیند سرعت بگیرد و راه برای جهانی شدن واقعی و حقیقی همراه شود. چرا جهانی شدن را چالش می نامیم؟ برداشت از چالش در دنیا چیست؟ آیا واقعاً در تمام دنیا پدیده جهانی شدن مثبت ارزیابی می شود. چه کسانی جهانی شدن را مثبت می دانند و چه کسانی در پدیده جهانی شدن در هراسند؟ به اعتقاد من در این نوع همایشها باید بر روی موضوعات کلی در خصوص جهانی شدن تمرکز داشته باشیم. هزاران موضوع وجود دارد که باید در باب جهانی شدن راجع به آنها گفتگو نماییم. اما بیش از همه اینها تلقی ها باید از جهانی شدن روشن شود.

وی همچنین با ذکر این مطلب که جهانی شدن یک مفهوم فلسفی است بیان داشت: در فلسفه سیاسی نیز بخشی از مباحث فلسفی مطرح شده است در حالی که جهانی شدن مفهوم فلسفی دارد و این معانی فلسفی باید به عنوان اندیشه واحدی زیر بنای نوع نگاه جهانی شدن باشد. اگر این اتفاق بیافتد مهمترین بستر فراهم می شود به دلیل

اندیشمندان بلند پرواز در مدینه های فاصله چه در مکاتب مادی چه در مکاتب الهی تعریف کرده اند. از آن جهت که جریان عمومی زندگی بشری این مسیر را دنبال کرده و به این نقطه رسیده است و به دلیل پیشرفت اقتصادی و سیاسی و فرهنگی دنیای غرب این پدیده نیز در آنجا زودتر اتفاق افتاده است. دنیای غرب با این دریافت، زودتر برای آن برنامه ریزی کرده است. توسعه بازار یکی از اصلی ترین مفاهیمی بوده است که مفهوم جهانی شدن را تسریع کرده است. به همین دلیل است که در حواله چند دهه گذشته (کمتر از ۵۰ سال) در اسرار جریان هدایت گر غرب یعنی آمریکا تلاش شده تا جهانی به عنوان جامعه آینده تصویر شود. نظم نوین جهانی و امنیت جهانی و رقابتهایی که در عرصه نظامی و قدرت سیاسی مطرح شد بر این اساس است. اما بسیار زود دیدیم که چون این یک امر تصنعی و یک برداشت غیر واقعی از جهانی شدن بود، تحقق پیدا نکرد. امروز که دهه اول هزاره سوم را سپری می کنیم، پیش بینی های غرب در موضوع جهان هزاره سوم به هیچ وجه

سازی نیز معنای عظیم تری دارد که در یک محدوده جغرافیایی و محدود از آن سخن بگوئیم. وی در ادامه تصریح کرد: در جهانی شدن و در آینده ای نزدیک دولت ها مفهومی ندارند جهانی شدن فرآیندی است که در آن آحاد انسانی را صرفنظر از تمام مشخصات آن در هر نقطه ای باید به حداکثر شکوفایی می رسانند. جهانی شدن غیر از این مفهومی ندارد بنابراین ملت ایران نیز ملتی است که باید نقش آفرینی بیش تری داشته باشد. در این نقش آفرینی نیز را می جز توسعه ارتباطی جهانی نیست. اگر امروز در این سرزمین به ایرانی بودن خود افتخار می کنیم این افتخار در صحنه جهانی زمانی که موجبات تصویب و تصریح تحقق جهانی شدن باشد واقعی است در غیر این صورت یک مانع است. گرایش ملی و دینی تنها زمانیکه موجبات تسریع و ساده سازی و آماده سازی بستر جهانی شدن را فراهم کنند، ارزشمند خواهند بود. بنابراین چند کار مهم باید انجام شود:

۱- باید تلقی روشنی از جهانی شدن پدید آید و منظور از دنیا محل خاصی از جهان نباشد. مادامی

که ظرفیت های جهان در نقطه خاصی تمرکز پیدا کند این یک مانع بزرگ برای جهانی شدن است. ظرفیت موجود اقتصادی و فرهنگی به عنوان یک امتیاز نه یک جغرافیای خاص هیچ امتیازی را متوجه هیچ ملتی نخواهد کرد.

وی در ادامه خطاب به اندیشمندان دینی در کشور گفت: اندیشه ها زمانی می توانند جایگاهی داشته باشند که تعریف روشن و بهتر و مورد پسند تری از انسان ارائه بدهند زیرا جهان انسان محور است. توسعه دینی نیز باید موثر از نگاه جهانی باشد. فردای زندگی انسان ها بیش از گذشته به مکتبی محتاج است که بتواند با ارائه تعریفی روشن و شفاف با دایره ای وسیع و گسترده، آحاد انسانی را به طور کاملآ متساوی ارزیابی کند، بپذیرد و بستری از اندیشه فراهم کند تا فرد از بودن خود لذت ببرد.

جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک پایگاه جهانی باید بتواند فرصتهای بسیار خوبی را برای اندیشمندان در مقوله ادبیات جهان و در موضوع جهانی شدن فراهم کند. این فرصت فارغ از دغدغه های سیاسی و دغدغه های اقتصادی و فشارهایی که به طور طبیعی وجود دارد باید در جمهوری اسلامی ایران مدلی از مدیریت ارائه نماییم که این مدل در ابعاد اقتصادی، فرهنگی و سایر ابعاد، ظرفیت های مواجه با جهانی شدن را داشته باشد. باید بدانیم اگر جهانی شدن چالش های بی شماری را فرا روی بشریت می گذارد خود یک چالش نیست همه مقاومتهایی که در برابر جهانی شدن روی می دهد چالش هایی است که باید برای آنها تدبیری اندیشیده شود. جهانی شدن پدیده ای زیباست. جهانی که در آن انسانها جهانی شده اند بسیار زیباتر از جهانی است که در تاریخ گذشته تجربه کردیم که میلیاردها انسان در گونه هایی از جغرافیایی دور افتاده اند جهان آینده جهان انسان است در مقیاس جهانی.

مشایی همچنین افزود: جمهوری اسلامی ایران آمادگی دارد در یک حرکت انسانی - جهانی مشارکت جدی داشته و برای تبیین حرکت منطقی جهانی، منطق انسانی و منطق زندگی جمعی جهانی فارغ از دغدغه های کوچکی که برخی از قدرت های بزرگ آن را تحمیل می کنند، تلاش کند.

عبور ممنوع برای بخش خصوصی

دکتر داود دانش جعفری وزیر امور اقتصاد و دارایی با این مطلب که سخنانش پیرامون اقتصاد در جهانی شدن است گفت: از چند دهه قبل در مباحث بین الملل بحث ارتباط بین کشورها مطرح شد و این که هر محصولی بنابر صرفه اقتصادی که دارد باید در هر کشوری تولید شود و به سایر کشورها صادر گردد. البته اینجا وضع اکتسابی است و توانایی ها دائمی نخواهد بود و توانمندیهای هر کشور دائماً در حال تغییر است. مشابه این مباحث در زمینه اقتصاد مانند علوم سیاسی، روابط بین الملل، جامعه شناسی و فرهنگ و ارتباطات و دیگر گروه های تخصصی امروزه مطرح است. در واقع جهانی شدن در تمام ابعاد صورت می گیرد و فقط مختص به اقتصاد نیست. اما نکته مهم این است که تعامل بیشتر بین کشورها می تواند در

جهت منافع در کشور یا دو بنگاه باشد و منافع آن از عدم تعاون بیشتر است. همانطور که می دانید امروزه مباحث مربوط به جهانی شدن روز به روز در حال تکامل است. البته باید دانست که جهانی شدن مربوط به روابط و تعامل میان کشورها نیست و کشورها برای وارد شدن به این مقوله باید یک سری شرایط اولیه را کسب نمایند در غیر این صورت ممکن است هدف اولیه که همان برد - برد در ورود به این بازی است، حاصل نشود.

به طور مثال در مباحث اقتصاد، زمانیکه صحبت از سیاست توسعه اقتصاد می شود، بلافاصله بحث پرداختن به افزایش رقابت پذیری و ضرورت های آن می شود بحث افزایش کار آیی بنگاه ها و عدم کار آیی بنگاه های دولتی نیز مطرح می شود. تجربه نشان داده که بنگاه های دولتی در زمینه کار آیی مواجه با کمبودهایی هستند. بنابراین در ادامه کار آیی، بحث خصوصی سازی مطرح می شود. به دلیل این که خصوصی سازی راهی برای افزایش رقابت پذیری و افزایش کار آیی بنگاه می دانند و جمع بنگاه ها نیز می تواند اقتصاد یک کشور یا منطقه را شکل بدهد.

زمانی که بحث ضرورت پرداختن به کنترل یارانه ها را در اقتصاد مطرح می کنیم و آن را برای ورود به آزاد سازی اقتصادی ضروری می دانیم و در واقع ارتباط تنگاتنگی بین بحث یارانه ها و خصوصی سازی و بحث آزاد سازی اقتصادی و حضور بخش خصوصی در اقتصاد وجود دارد. بنابراین تا به آنها نپردازیم، نتیجه مناسب را به دست نخواهیم آورد. دانش جعفری در ادامه سخنانش افزود: در اغلب کشورها از جمله کشور ما از مدت ها قبل با سیاست کنترل قیمت محصولات از جمله محصولات غذایی، کالاها ی اساسی مطرح بوده است و دولت سعی داشته تا قیمت این محصولات را پایین نگه دارد تا مصرف کننده با پرداخت کمتری به آنها دسترسی پیدا کند. اما می بینیم که اثر این سیاست بر روستائیان این بوده که درآمد کمتری را برایشان حاصل می کرده است. بنابراین با سیاست کنترل قیمت محصولات کشاورزی و غذایی به نوعی ایجاد محرومیت برای درآمد کشاورزان و طبقه محروم بوجود آمده است. پس این سیاستها به طور تنگاتنگ با یکدیگر مرتبط هستند.

وزیر محترم نفت در مصاحبه ای اعلام کرد که ما امروزه حدود یک میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه مصرف نفت داخلی روزانه داریم و معادل سه میلیون بشکه گاز مصرف می کنیم. که میزان جمع این دو برابر با ۴ میلیون و ششصد هزار بشکه نفتی است که این مقدار در داخل به صورت رایانه ای داده می شود و در برخی از موارد ممکن است با قیمت زیر ده درصد به فروش برسد. اگر ما با دیده اغماز به این مسئله نگاه کنیم. حداقل ۵۰ درصد این انرژی که به صورت یارانه ای در اختیار مردم قرار گیرد برابر با ارزش یارانه ای باشد که به مردم داده می شود می بینیم که عدد بسیار بالایی نزدیک به ۵۰ میلیارد دلار است. رقمی که می تواند یک کشور را با تمام کاستی ها به آبادانی و رفاه برساند. دانش جعفری باین سوال که اگر همین یارانه ۵۰ میلیارد دلار را به مردم بدهیم و آنها رادر استفاده از آن برای رفاه آزاد بگذاریم، آیا مردم همبیطور

این پول را خرج می کنند افزود: قاعدتاً این طور نخواهد بود. اگر ما برنامه ای برای فقرزدایی در کشور داشته باشیم و سالیانه مبلغی را در این ارتباط هزینه کنیم آیا بیش از این مقدار نیاز دارد. مهمتر اینکه این هزینه برای چند سال است نه برای همیشه. اما ما می بینیم که امروزه یارانه ها با هدف اولیه عدالت اما در عمل ضد آن باعث شده که اقتصاد ما دچار مشکلاتی شود و هدف های مورد نظر خود را تامین نکند. وقتی یارانه در جایی وجود دارد یعنی عبور ممنوع برای بخش خصوصی. به دلیل این که نمی توان انتظار داشت بخش خصوصی در ایران پالایشگاه احداث کند و نقدینگی را برای آن مصرف کند و بعد بنزین را با قیمت صد تومان بفروشد. بنابراین از همان اول ورود ممنوع برای بخش خصوصی است. مگر این که دولت تدابیری اتخاذ کند و برای بنزین قیمت سودآوری را تعیین کند تا بخش خصوصی نیز هر طور می خواهد آن را توزیع نماید.

بحث هایی که امروز در ارتباط با تعرفه گمرکی

و ضرورت تعامل سازنده بین دانشمندان را مطرح نمودند این محدودیت را پیش بینی می کردند. قاعدتاً انحرافات در اجرا وجود دارد و ما باید آنها را به عنوان موانع این موضوع ببینیم و در واقع راه حل هایی بیاندیشیم. هدفی که از ایجاد سازمان تجارت جهانی امروز مطرح می شود این است که این سازمان برای توسعه و آزاد سازی بین کشورها تلاش می کند. اما عملاً می بینیم که حق مضاعفی برای برخی کشورها در این سازمان وجود می آید که امروزه اگر کشوری بخواهد وارد این مقوله شود، باید کلی مالیات و امتیاز از کشور مربوطه بگیرند تا اجازه ورود پیدا کند. اگر هدف نیک و اندیشه نیک بود قاعدتاً برای ورود به این مقوله که به نفع همه کشورهاست، نباید چنین موارد و امتیازاتی تعیین شود. یا اگر به تاریخ تشکیل صندوق بین المللی پول توجه کنید، می بینید هدف اصلی از تشکیل این سازمان تعیین تجارت بین المللی است. در زمان بحران بزرگ در سال ۱۹۲۹ و بحث هایی که در جنگ های جهانی اول و دوم اتفاق

دکتر داود دانش جعفری:

اما ما می بینیم که امروزه یارانه ها با هدف اولیه عدالت اما در عمل ضد آن باعث شده که اقتصاد ما دچار مشکلاتی شود و هدف های مورد نظر خود را تامین نکند. وقتی یارانه در جایی وجود دارد یعنی عبور ممنوع برای بخش خصوصی.

اقتاد یکی از موانع تجارت بین الملل وابستگی به طلا بود و کشورهایی که امکانات طلا و ذخیره طلای بیشتری داشتند می توانستند تجارت کنند. در یک مقطعی تجارت جهانی با مشکل روبرو شد زیرا هر کشوری از کاهش ذخایر طلای خود می هراسید. بنابراین ترجیح می داد تجارت بین الملل نداشته باشد.

اندیشمندان گفتند چرا تجارت را بر مبنای طلا بگذاریم بهتر است بر مبنای پول باشد و روابطی را بین پول داخلی و ارز تعیین کنید تا مانعی برای تجارت بین الملل نشود. اما وقتی که این سازمان تشکیل شد در واقع ساختار قدرت این طوری نبود که هر کشوری یک سهم داشته باشد بلکه براساس سهم برخی کشورها و این که آنها این سهم را از قبل پیش بینی کرده بودند، شکل گرفت. اکثریت آزاد را نیز به کشورهایی دادند که امروزه جزو کشورهای غرب هستند؛ آمریکا، اروپا و ژاپن ... اینها حرکت صندوق بین المللی پول را در جهت بردند که با خواسته های این کشورها همسویی داشته باشد. در غیر این صورت ممکن است به دلایل مختلف مانع این امر شوند. این موضوع هم جزو بحث هایی است که تحت عنوان اخلاق جهانی شدن، دکتر نهباندریان مطرح نمودند و اینکه این اخلاق باید دو طرفه باشد و همه کشورها به ویژه کشورهای بزرگ به این اخلاق پایبند باشند. به عنوان مثال ما به عنوان یک عضو موثر در بانک جهانی نمی توانیم از حق خود استفاده

کنیم به دلیل اینکه ریاست سازمان با یک شخص آمریکایی است و با جهت گیری های سیاسی که در برخی مقاطع به وجود می آید، همیشه مانع از بکارگیری منافع ما می شوند.

وی در ادامه افزود: باید به تمام ابعاد توجه شود هم ابعاد مقدمه ساز و هم ابعاد اصول اولیه که باید همواره از آن حراست شود. در ایران هم در جهت هم سوئی با این دستاوردهای نظری که امروزه مورد قبول اکثر دانشمندان دنیا هست. اقدامات متعددی صورت گرفته تا به این اهداف برسیم. به عنوان مثال در حوزه اقتصادی قانون مالیات ها را مورد تجدیدنظر کلی قرار دادیم. هدف این تجدید نظر کلی این بود که در واقع مالیات بر درآمد شرکت ها و بنگاه های اقتصادی که در یک مقطعی به ۵۴ درصد هم می رسید به یک میزان حداقلی ۲۵ درصد برسد، هدف این کار بود که با کاهش مالیات و شفاف پذیری، قدرت رقابت پذیری بنگاه در صحنه های واقعی و بین المللی افزایش پیدا کند.

خوشبختانه این حرکت باعث شد که ضمن افزایش شفاف پذیری در اقتصاد، درآمدهای مالیاتی دولت کاهش پیدا نکند و نشان دهنده این مسئله است که اغلب قوانین خوب (حتی اگر در ظاهر مانند مالیات که پیش بینی کاهش درآمد را داشتیم ولی در عمل افزایش درآمد را شاهد بودیم) باعث رفاه اقتصادی می شود.

قانون دیگری با عنوان تشویق و حمایت از سرمایه گذاری خارجی در کشور تصویب شد که هدف آن نیز توسعه تعامل بین المللی بود و این که بنگاه های خارجی کار آیی خود را افزایش دهند و به بازار های بین المللی دسترسی پیدا کنند و زمینه ای برای صادرات آنها فراهم شود. در این زمینه ها نیز پیشرفت های خوبی را شاهد هستیم به خصوص در سال گذشته رقمی که سرمایه گذاری خارجی در کشور ثبت شد در طول دو دهه گذشته بی سابقه بود.

دکتر دانش جعفری پیرامون سیاست های کلی اصل ۴۴ بیان داشت: از این اصل به عنوان یک انقلاب اقتصادی یاد می شود و هدف اصلی آن توانمندسازی بخش خصوصی است. این سیاست توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی به سران سه قوه مجریه، قضائیه و مجلس ابلاغ شد و باید هر کدام از این قوا در سیاست گذاری هایی که انجام می دهند این جهت گیری های کلی را مد نظر داشته باشند. این سیاست ها خوشبختانه با اقدام جدی دولت و مجلس محترم در ماه گذشته به زودی تبدیل به یک قانون جامع می شود. یکی از قوانین بسیار جامعی که بعد از انقلاب اسلامی در رابطه با بحث اقتصادی مطرح شده و جهت گیری های زیادی در آن وجود دارد اقداماتی برای جلوگیری از بزرگ شدن دولت و رسیدن به دولت کوچکی است که ثابت، کم هزینه و کارا باشد و در تصدی های دولتی، با حضور بخش خصوصی و تعاونی شاهد کاهش هزینه های دولت در بودجه عمومی و بودجه شرکتهای دولتی و اختصاص توانایی های مالی دولت به هزینه هایی که مورد نیاز مردم است مانند بهداشت درمان، آموزش های عمومی و فنی و حرفه ای و فقرزدایی باشیم. علاوه بر این جهت

دکتر حداد عادل:

امروز قبل از جهانی شدن مسئله جهان مطرح است و شما می بینید که وقتی در پیمان کیوتو برای محدود کردن گازهای گلخانه ای کشورهای جهان اقدام می کنند حکومتی مثل آمریکا از امضای این پیمان سرباز می زند و معنایش اینست که ما برای حفظ جهان، تعهدی نمی دهیم.

اقدام می کنند حکومتی مثل آمریکا از امضای این پیمان سرباز می زند و معنایش اینست که ما برای حفظ جهان، تعهدی نمی دهیم. یا بیماریهایی مانند ایدز، زمانیکه می شویم در قاره آمریکا حدود ۴۰ میلیون نفر به این بیماری مبتلاند اینها زنگ خطری برای کل جهانی است که می خواهد جهانی شود. به هر حال مسلم است که با گسترش فناوری اطلاعات زمینه برای جهانی شدن فراهم آمده است. بارزترین وجه این جهانی شدن، جهانی شدن اقتصادی است که همه جا را تحت تاثیر خود قرارداده است و امروز اقتصاد کشورها در همه جا به بازارهای جهانی می اندیشند. این جهانی شدن اقتصاد برای کشورهایی مانند ما هم می تواند یک فرصت باشد و هم یک تهدید. هوشمندی بسیار لازم است تا اجازه ندهیم این فرصت به تهدید مبدل شود. امیدواریم یکی از نتایج اجتماع شما این باشد که مسوولان اقتصادی کشور، قانونگذاران و دولتمردان بتوانند با استفاده از اندیشه شما -اندیشه متخصصانی که تجربه جهانی دارند- راهکارهای بهتری پیدا کنند تا جهانی شدن به یک فرصت مبدل شود به جای آنکه یک تهدید باشد. از حسن اتفاق این تحول جهانی در کشور ما با یک تحول داخلی در اقتصاد مقارن شده است و آن تفسیر جدیدی است که رهبر انقلاب از اصل ۴۴ قانون اساسی عرضه کرده اند و سیاست های کلی این تفسیر روز به روز بیشتر به اجرا نزدیک می شود. ما در مجلس شورای اسلامی در یکسال گذشته تلاشمان در تدوین و تصویب این قانون بود. طبق لایحه دولت به صورت جدی با تشکیل یک کمیسیون ویژه و کار مستمر این قانون را تکمیل و اصلاح کردیم و در مجلس به تصویب رساندیم. در کشور حرکتی جدی برای خصوصی سازی در بستر تفسیر جدیدی از اصل ۴۴ آغاز شده و این می تواند در پرتو نگاه جهانی شدن رنگ خاصی به خود بگیرد. از امور دیگری که امیدواریم در این همایش به نتیجه برسیم اینست که رابطه حرکت به سمت خصوصی سازی با حرکات جهانی شدن مشخص شود. یعنی ما بدانیم خصوصی سازی در جهانی که اقتصاد آن به سمت جهانی شدن پیش می رود چه معنایی دارد و چه الزاماتی از این جهانی شدن بر خصوصی سازی ایجاد می شود. ما خصوصی سازی را در کشور در حالیکه قصد تعامل با اقتصاد جهانی را داریم، انجام می دهیم. باید رابطه این دو موضوع به نحو علمی و دقیق تعیین شود و تا ما این مفاهیم را در مجلس تبدیل به قانون و در دولت تبدیل به عمل نماییم.

حداد عادل با تاکید بر رابطه خصوصی سازی و عدالت اقتصادی افزود: این یک اقدام شجاعانه است که دو کلمه خصوصی سازی و عدالت

نمایند. اما قرن ۲۱ با عنوان جهانی شدن بیشتر قرن یکپارچگی است. قرن برداشته شدن مرزهای مختلف اقتصادی و فرهنگی. پیرامون جهانی شدن سخن بسیار است. من به چند نکته اشاره می کنم: ۱- در دنیای امروز دو حرکت به ظاهر متضاد دیده می شود اول حرکتی شتابان به سوی جهانی شدن و دیگری اصرار به سمت ملی ماندن. از یک سو ما شاهد تحرکاتی هستیم برای حفظ هویت ملی از سوی دیگر همه جا سخن از جهانی شدن است. به اروپا دقت کنید و به بحران هایی که در منطقه بالکان در دو دهه گذشته رخ داده است به عنوان نمونه ای از اصرار بر احراز هویت ملی و حفظ هویت ملی. می بینید که تلاش می شود روز به روز اجتماعات کوچک تری با هویت های مشخص تر در خیلی از مناطق دنیا ایجاد شود. وقتی این حرکت با جهانی شدن مقایسه شود جمع میان این دو را مشکل می کند. آینده جهان چگونه خواهد بود آیا حرکت های ملی گرایانه به حرکت های جهانی شدن غلبه خواهد کرد. یا این که این دو به نحوی باهم آشتی می کنند و هر دو حرکت با هم پیش خواهد رفت مسئله دیگر این است که آیا جهانی شدن به بهبود وضع بشر کمک خواهد کرد؟ آیا در قرن ۲۱ دنیا با جهانی شدن دنیای بهتری خواهد بود؟ پاسخ ما به این سوالات این است تا زمانی که انسان در درون خود با اخلاق و صلح و عدالت پیوند نیابد و آشتی نکند جهانی شدن کمکی به بهبود وضع جهان نخواهد کرد. اگر عدالت در درون انسانها و در جان انسانها و در باور انسانها ریشه نداشته باشد، جهانی شدن هیچ کمکی به بشر نخواهد کرد بلکه کار بدتر خواهد شد. آنچنان که با پیدایش فناوری و علم جدید در قرن ۱۸ و ۱۹ اوضاع جهان بهتر نشد بلکه آن فناوری به صورت ابزاری دردست استعمار قرار گرفت برای ظلم بیشتر. اگر اخلاق، دین و خدا بر انسان و بر جهان حکومت کند جهانی شدن نمی تواند کمکی به وضع ظلم نماید. جهانی شدن در دنیایی که اختیار آن به دست افراد ستم گر باشد وسیله ای می شود برای گسترش تحکیم و تسبیط بیشتر ظلم و ستم.

رئیس مجلس شورای اسلامی در ادامه بیان داشت: مسئله دیگری که در باب جهانی شدن قابل توجه است موضوع بحران محیط زیست است. امروز این سوال جدی است که آیا بشر با این مسابقه ای که در مصرف دارد و با این ظلمی که به طبیعت می کند آیا اصولاً اجازه می دهد که جهانی باقی بماند تا جهانی شدن در آن معنایی پیدا کند. امروز قبل از جهانی شدن مسئله جهان مطرح است و شما می بینید که وقتی در پیمان کیوتو برای محدود کردن گازهای گلخانه ای کشورهای جهان

اقدامات صورت گرفته، در جهت های مورد نظر همایش پیش برویم. در واقع ارتباط بین مقوله جهانی شدن، رقابت پذیری و عدالت اقتصادی و کارایی ارتباط تنگاتنگی وجود دارد و باید در تمام ابعاد به آن توجه شود و پرداختن به یک بعد خاص در آینده ما را با چالشهایی مواجه خواهد کرد. امیدواریم که با حضور اندیشمندان داخلی و خارجی ما به اهداف همایش برسیم.

قرن ۲۰ قرن تخلیه و تثبیت دولتها

دکتر غلامعلی حداد عادل رئیس مجلس شورای اسلامی با تاکید بر سه موضوع مهم و جدی که عنوان همایش را تشکیل می دهد تصریح کرد: جهانی شدن برای ما و بسیاری از کشورها دیگر جهان در درجه اول، یک چالش است. خصوصی سازی در کشور ما یک دستور کار فوری و جدی است. عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی برای انقلاب ما و نظام ما یک آرمان است. بنابراین سه عنصری که این همایش به آنها تمرکز پیدا کرده، سه عنصر اساسی برای ما در اداره کشور و در برقراری رابطه با دیگر کشورهای جهان است. چه بخواهیم یا نخواهیم جهانی شدن یکی از خصوصیات روزگار ماست قرن ۲۱ را با قرن ۲۰ مقایسه نمایم. شاید این نتیجه گیری درست باشد که قرن ۲۰ قرن تحکیم و تثبیت دولت ها و ملت ها و ملیت ها بود و تثبیت مرزهای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و سازمان های متعدد بین المللی، تا میان دولت ها و ملت های متمایز شده و تثبیت شده رابطه برقرار شود. در واقع این سازمان های بین المللی وظیفه داشتند این کشورها را در تعامل با یکدیگر کمک

گیریهای دیگری نیز در این قانون است؛ ترویج قلمرو اقتصادی بخش دولتی، خصوصی و تعاونی و یک مقوله جدید تحت عنوان عمومی و غیر دولتی که در اقتصاد ما جایگاه خاصی دارند و حتماً باید به آن توجه داشت. همچنین بحث هایی مربوط به خصوصی سازی که در قالب فروش بنگاه های سهامی که متعلق به بنگاه های دولتی است و در این رابطه به صورت تقسیم به آن توجه شده است. در همین رابطه ما در سال گذشته شاهد بودیم که خصوصی سازی بنگاه های بزرگ دولتی شروع شد و آنها زمینه را برای حضور بیشتر بخش خصوصی به وجود آوردند. علاوه بر این دولت محترم نیز به نتیجه هایی در رابطه با عدالت اقتصادی بیشتر و همین طور توانمندسازی بخش خصوصی در سال گذشته و امسال رسید. طرحی تحت عنوان طرح های زودبازده در دولت معرفی شد. هدف طرح این بود که بنگاه های کوچک و متوسط به امکانات بانکی دسترسی پیدا کنند. سال گذشته حدود ۷ هزار میلیارد تومان اعتبار در اختیار بخش خصوصی کوچک و نوپا قرار داده شد و امسال به نظر می رسد که این مقدار بیشتر می شود. البته به موانع و مشکلاتی در طول اجرا برخورد کردیم. برخی موارد این بود که ارتباط خوشه ای بین بنگاه های کوچک و متوسط بدون توجه به جایگاه بنگاه های بزرگ باید برقرار شود تا مشکلاتی برای بازیابی بنگاه های کوچک به وجود نیاید. در حال حاضر وزارت کار و امور اجتماعی توجه ویژه ای را به طراحی ارتباط خوشه ای دارد و ما امیدواریم تا با



اقتصاد ما وقتی شکوفا می شود و کارگر ما زمانی به رفاه می رسد که کار آفرین نیز محترم باشد. اگر در تصور ما کسانی که سرمایه های خود را برای رونق اقتصادی به جریان می اندازند و خطر می کنند و نقاط مختلف کشور را با مدیریت و تلاش خود آباد می کنند این باشد که اینها خون مردم را شیشه می کنند، مطمئناً خصوصی سازی محقق نخواهد شد

بیاورند نه این که کارخانه را بخرند و کارگرها را اخراج کنند و زمین ها را تبدیل به کاربری مسکونی نمایند و اسم آن را خصوصی سازی بگذارند. اگر خصوصی سازی با رعایت این جهات اجرا شود، کارمند دولت نیز پول بیشتری به عنوان حقوق دریافت خواهند کرد. چون مالیات بیشتری به صندوق دولت واریز می شود. همانطور که وزیر محترم اقتصاد و دارایی ایران اشاره کردند زمانیکه میزان مالیات شرکت های خصوصی از ۵۰ یا ۶۰ درصد به ۲۵ درصد رسید درآمد مالیاتی نه تنها کمتر نشد بلکه بیشتر شد.

رئیس مجلس شورای اسلامی همچنین در ادامه افزود: ما در کشور باید کار فرهنگی نماییم تا ذهنیت افراد نسبت به کارآفرینی و نسبت به سرمایه گذاری تغییر کند. بنده بارها گفتم ما باید به همان اندازه که به کارگر احترام می گذاریم (که باید هم بگذاریم) به کارآفرین نیز باید احترام بگذاریم. اقتصاد ما وقتی شکوفا می شود و کارگر ما زمانی به رفاه می رسد که کارآفرین نیز محترم باشد. اگر در تصور ما کسانی که سرمایه های خود را برای رونق اقتصادی به جریان می اندازند و خطر می کنند و

دولتی همیشه گرفتار ویژه خواری، افزونه خواری و رانت خواری است. به همین جهت با فساد اقتصادی دست به گریبان است. انگیزه در اقتصاد دولتی کم است به همین جهت کارایی کاهش پیدا می کند. در اقتصاد متمرکز دولتی ممکن است، تساوای ایجاد شود اما عدالت اقتصادی بعید است. و در واقع ظلم به صبیبه را باید عدل بدانیم در آن نوع اقتصاد ضعیفی که از هر نوع رقابت و انگیزه ای تهی است. اما به آن دسته از مدیران دستگاه های دولتی و کارمندان که نمی خواهند امکانات رادر اختیار بخش خصوصی قرار دهند می گوئیم که اگر رونق اقتصادی به دست بخش خصوصی

اقتصادی را در کنار یکدیگر قرار داده اید اگر ۳۰ سال پیش یک همایش بر پا می شد تحت عنوان خصوصی سازی و عدالت اقتصادی همه تصور می کردند غرض از همایش این است که اثبات شود خصوصی سازی، عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی هرگز تامین شدنی نیست. این تصویری بود که در آن زمان وجود داشت. اما امروز ما می خواهیم عکس این مطلب را اثبات کنیم. ما می گوئیم که خصوصی سازی می تواند به عدالت اقتصادی منتهی شود و باید منتهی شود و امروز در جستجوی راه ها و شیوه هایی از خصوصی سازی هستیم تا عدالت اقتصادی را در کشور تامین کند. تصویری که هرگز جمع میان خصوصی سازی و عدالت اقتصادی را باور نمی کند مبتنی بر یک تفکر شکست خورده در دنیای امروز است. کسانی بودند که هرگز عدالت را با مالکیت خصوصی قابل جمع نمی دانستند. در نظر آنها شرط تامین هر نوع عدالتی لنو مالکیت خصوصی بود و ایجاد اقتصاد متمرکز دولتی. جهان این مرحله را با فروپاشی شوروی سابق و مارکسیسم پشت سر گذاشته است. کشور ما نیز از این افکار فاصله گرفته و ما می توانیم مستقل، آزادانه و با تکیه بر تعالیم اسلامی درباره اقتصاد خود فکر نماییم.

رئیس مجلس شورای اسلامی مانع دیگری که بر سر راه خصوصی سازی در کشور است را دیوان سالاران نامید و گفت: در باب خصوصی سازی مقاومت دیگری نیز در بعضی کشورها و شاید در کشور ما وجود دارد و آن یک بخش از کارمندان و گروه دیوانسالاران هستند. برای بسیاری از آنها واگذاری امکاناتی که در اختیار دولت بوده به غیر دولتی ها کار دشواری است. مدیرانی که کارخانجات و صنایع را اداره می کنند برایشان دل کند از این موسسات دشوار است. علاوه بر این شاید برخی از کارمندان نیز تصور کنند چرا ما باید کاری کنیم تا عده ای دیگر سرمایه شان انباشته شود و ما کارمندان با یک حقوق اندک زندگی کنیم. این یک وسوسه و دغدغه ذهنی برای کارمند ساده ای در یک وزارتخانه و پشت میز است که دائماً مانع می شود که او راه را در دیوان سالاری دولتی برای خصوصی سازی باز نماید. این هر دو اندیشه غلط است. دیدگاهی که عدالت اقتصادی را در اقتصاد متمرکز دولتی جستجو می کند باید نقض شود.

نقد اول روشن است اقتصاد متمرکز دولتی از فقدان رقابت رنج می برد. مانند بدنی که ورزش نمی کند لاغر و نحیف می ماند انگیزه ای برای تحرک در اقتصاد دولتی وجود ندارد به یک معنا نیز چاق تر می شود اما آن فربهی است. دوم این که اقتصاد

نمایند و عدالت اقتصادی را تامین کند و تعامل سازنده ای با اقتصاد جهانی داشته باشد. وی در پایان با بیان این که امیدوارم حاصل سخنرانی ها و گفتگوها و مقالاتی که از رهگذر این گردهمایی عالمانه نصیب استادان اقتصادی ما و مسوولان کشور ما می شود ما را در درک یک منظومه منسجمی از این سه ضلع جهانی شدن خصوصی سازی و عدالت اقتصادی کمک کند سخنرانی خود را به پایان برد.

نقاط مختلف کشور را با مدیریت و تلاش خود آباد می کنند این باشد که اینها خون مردم را شیشه می کنند، مطمئناً خصوصی سازی محقق نخواهد شد و اقتصاد نیز رونق نخواهد گرفت. دولت زیر ساخت های خوبی برای تحول در کشور ایجاد کرده است. زمانی که دولت در چابهار و در منتهی الیه جنوب شرقی کشور سدی ایجاد می کند زمین های فراموش شده و خالی از سکنه بسیاری قابلیت کشت و کار پیدا می کند. پس باید از کسانی که با استفاده از زیر ساختهای تحولی مانند سد، جایی را برای کشت و کار درست می کنند و مردم محروم آن منطقه را با کار به رفاه برسانند تشکر کنید.

ایجاد شود درآمد دولت هم برای رفاه کارمندان بیشتر می شود. این اشتباه است که ما تصور کنیم با اقتصاد خصوصی ضعیف می توانیم یک دولت قوی داشته باشیم. ما اگر اجازه به بخش خصوصی دهیم تا حرکت و رشد و نشاط پیدا کند مالیات بیشتری نیز پرداخت می کند. بی جهت نبود که وقتی دو آلمان یکی شدند کارخانجات دولتی را در آلمان شرقی به قیمت یک مارک فروختند به کسانی که داوطلب خرید آن کارخانه ها و اداره آنها بودند. اما از آنها تعهد گرفتند که با مدیریت و تلاش کارخانه ها را اداره کنند و به حرکت در

